

بررسی موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری

دکتر حیدر تورانی*

سعید عارف‌نژاد**

چکیده

هدف تحقیق حاضر، تعیین موانع و شیوه‌های جذب کودکان ۶ تا ۱۲ ساله بازمانده از تحصیل در مناطق روستایی و عشایری است. این مطالعه تحقیقی آمیخته است که بخش کمی آن به روش توصیفی و بخش کیفی آن به روش پدیدارشناسی انجام شده است. جامعه آماری بخش کمی، معلمان و مدیران مدارس روستایی و عشایری استانهای آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به تعداد ۱۷۶۷۳ نفر است. جامعه آماری بخش کیفی، کودکان بازمانده از تحصیل، والدین آنان و مسئولان منطقه ای و استانی مطلع از موضوع هستند. نمونه آماری بخش کمی ۳۷۶ نفر می‌باشد که با فرمول مورگان تعیین شده است. نمونه‌گیری بخش کمی به روش طبقه‌ای انجام شده و نمونه‌گیری بخش کیفی به صورت هدفمند و تا زمان اشباع اطلاعات ادامه یافته است. گردآوری داده‌های بخش کمی با دو پرسشنامه محقق ساخته و گردآوری اطلاعات بخش کیفی با به‌کارگیری فرم مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شده است. روایی پرسشنامه‌ها از سوی استاد ناظر تأیید شد و پایایی پرسشنامه‌های بخش کمی با روش آزمون دوباره برای هر یک از مؤلفه‌ها بالای ۰/۷۰ به دست آمده است. نتایج بخش کمی نشان داد که موانع فرهنگی از سه عامل، موانع فردی از یک عامل، موانع جغرافیایی از دو عامل، موانع اقتصادی از دو عامل، موانع سازمانی از دو عامل و شیوه‌های جذب از شش عامل تشکیل شده است. از نتایج بخش کیفی تحقیق، هشت مضمون اصلی به منزله موانع و شش مضمون اصلی به عنوان شیوه‌ها و راهکارهای جذب کودکان بازمانده از تحصیل به دست آمده است.

کلیدواژگان: کودکان بازمانده از تحصیل، موانع فرهنگی، موانع فردی، موانع اقتصادی، موانع جغرافیایی، موانع سازمانی، شیوه‌های جذب

تاریخ پذیرش: ۹۶/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۱۱

* دانشیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش (نویسنده مسئول) heidar_toorani@yahoo.com

aref.saeed@yahoo.com

** کارشناس پژوهشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش

مقدمه

امروزه ضرورت آموزش و پرورش برای دستیابی به آگاهی و سواد، در بسیاری از کشورها کاملاً شناخته شده است. تلاش آنها در جهت بهبود این رکن اساسی و انسان‌ساز جوامع مستلزم رسیدن به این باور است که دانایی، توانایی است. موضوع بعدی که لازم است در راستای آموزش و پرورش و آموزش ابتدایی به آن پرداخته شود، موضوع عدالت آموزشی است. عدالت آموزشی یعنی فراهم کردن فرصتهای برابر آموزشی برای همه آحاد جامعه. برابری فرصتها در بعد کلان نوعی نگاه انسان‌گرایانه و عدالت خواهانه را به همراه دارد که غالباً به منزله یک شاخص در جوامع توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود.

تحصیل و سوادآموزی به خودی خود تنها بخشی از حقوقی است که بازماندگان از تحصیل از آن محروم می‌شوند. واقعیت این است که سواد در سطوح مختلف زندگی روزمره افراد، شغل، آگاهی نسبت به شرایط، بزهکاری، زندگی خانوادگی، سبک زندگی و سرمایه فرهنگی و اجتماعی به قدری مؤثر است که ریشه‌کنی بیسوادی گاهی مستقیماً منجر به کاهش مرگ و میر، بیماری، بزهکاری و خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی می‌شود. از این رو جوامع گوناگون نسبت به امر سوادآموزی حساسیت نشان می‌دهند و در پی یافتن راه چاره برای کاهش بازماندگان از تحصیل هستند.

بر اساس قانون اساسی، آموزش همگانی باید به طور عمومی، اجباری و رایگان کودکان را تحت پوشش قرار دهد و دولت در حکم مجری این قانون، موظف است امکانات و اعتبارات لازم را در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار دهد، به گونه ای که هیچ یک از افراد به دلیل فقر مادی یا محرومیت منطقه ای از تحصیلات همگانی بی‌بهره نماند. با وجود تحقیقات بسیاری که مسئولان آموزش و پرورش در سالیان گذشته برای تعمیم بخشیدن به آموزش همگانی انجام داده اند، بنا به دلایلی مانند نداشتن برنامه‌ریزی جامع و مناسب، کمبود اعتبارات و کاستیهایی در زمینه آماده‌سازی معلمان و سایر امکانات آموزشی، گروه کثیری نتوانسته‌اند تحت پوشش کامل آموزش همگانی قرار گیرند (آقازاده، ۱۳۸۸). طبق سند آموزش برای همه^۱ برای مقابله با موانعی که کودکان بازمانده از تحصیل را از ورود به موقع به مدرسه و پیشرفت از طریق مدرسه و یادگیری باز می‌دارد، لازم است در کل نظام آموزشی اصلاحات لازم صورت پذیرد. در این اصلاحات باید خط‌مشی، نوآوری، برنامه درسی، توسعه حرفه‌ای، پژوهش، ارزیابی و سنجش و نیز بهره‌گیری مناسب از

1. Education for All (EFA)

فناوریهای اطلاعات و ارتباطات در آموزش مورد توجه قرار گیرد (یونسکو، ۲۰۱۲). همچنین، یکی از آرمانهای یونسکو و یونسف و سایر سازمانهای بین‌المللی ذیربط، تضمین آموزش ابتدایی و متوسطه رایگان، برابر و با کیفیت برای همهٔ دختران و پسران است که منجر به یادگیری مؤثر و مرتبط گردد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۵).

کشور ما از جمله کشورهایی است که از آماری بالا در زمینهٔ کودکان بازمانده از تحصیل در مناطق شهری و روستایی - عشایری برخوردار است. طبق اعلام وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۵، شمار کودکان ۶ تا ۱۲ سال که وارد نظام آموزشی نشده‌اند یا پس از مدتی کوتاه از آن خارج شده‌اند، بالغ بر ۱۳۶ هزار نفر است (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۵)، که برای از میان برداشتن آن باید چاره اندیشی نمود. همچنین به دلیل ماهیت مناطق روستایی و عشایری که از شاخصهای توسعه و رفاه به اندازه مناطق شهری بهره کافی و وافی نمی‌برند و در امر آموزش و پرورش و بازماندن از تحصیل نیز وضعیتی متفاوت نسبت به مناطق شهری دارند و با توجه به مبانی نظری و پیشینه موجود، عواملی که در بازماندن از تحصیل دانش‌آموزان روستایی و عشایری دخیل هستند، در چهار گروه کلی تحت عناوین عوامل اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سازمانی طبقه‌بندی شده و در این تحقیق مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مبانی نظری و پیشینه تجربی

دانش و آگاهی نعمتی است که فقط انسان می‌تواند از آن بهره بگیرد و آن را نشر دهد و عدالت که مفهومی انتزاعی و فلسفی است، زمینهٔ نشر و تولید دانش و آگاهی است. عدالت از محدود مفاهیمی است که امکان تحقق یافتن در زندگی بشر پیدا کرده است و اگر آن را با دانش و آموزش همراه کنیم، ترکیبی بنیادین برای توسعه به دست می‌آوریم. از این رو ضروری است که برای تبیین عدالت آموزشی و نتایج آن با نگاهی دیگر آن را تحلیل کنیم. در رویکردهای توسعه‌گرا همواره برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران در همه برنامه‌ها به عدالت توجه کرده و براساس ضرورت و الزام تاریخی همواره در پی عملیاتی کردن آن در همه عرصه‌ها بوده‌اند. آنها از یک سو در پی جامعه عمل پوشاندن به ایده‌آلهای دیرین بشری و از سوی دیگر به امید نهادینه کردن عدالت در روابط اجتماعی در تلاش برای ایجاد آینده‌ای روشن هستند (نژادبهرام، ۱۳۹۴). با این همه سالانه بخش قابل توجهی از کودکان، از تحصیل باز می‌مانند. کودکان بازمانده از تحصیل، آن گروه سنی از جمعیت هستند که در سنین مدرسه قرار دارند، ولی در ماههای تحصیلی در چرخه آموزشی کشور حضور ندارند؛ یعنی در زمان ساعات کار مدارس، خارج از مدارس هستند و به هر دلیل یا اساساً

وارد چرخه آموزش نشده‌اند یا پس از مدتی کوتاه از آن خارج شده‌اند. مطالعه ادبیات تحقیق در بخش نظری نشان داد که یکی از عوامل بازماندن کودکان از تحصیل کودکان عامل اجتماعی است. نظریه پردازان بازتولید اجتماعی معتقدند که مدارس از طریق شایستگی و خاستگاههای اجتماعی به بازتولید نابرابری اجتماعی می‌پردازد: «افرادی که از خاستگاه اجتماعی بالاتر برخوردارند، دسترسی بهتری به مدارس دارند و این مدرسه است که دانش آموزان را انتخاب می‌کند و به آنها جهت می‌دهد». همچنین اولسون رابطه میان پایگاه و آموزش و پرورش را به صورت یک دور باطل فقر تصویرسازی می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۳). دومین عامل، عامل خانوادگی است که شامل مسائلی همچون اندازه و ترکیب خانواده، تحصیلات والدین و نگرش والدین به آموزش دختران است (آتشک، ۱۳۸۸؛ کینگ^۱، ۱۹۸۶؛ بردسال^۲، ۱۹۸۵). عامل بعدی، عوامل مربوط به آموزش و پرورش است که شامل قوانین ناظر بر آموزش و وضعیت آموزشی در مدارس است (آتشک، ۱۳۸۸؛ رضایی، ۱۳۸۳؛ اکبری، ۱۳۸۴). عامل فرهنگی نیز از عوامل دخیل در این موضوع است و آن کل پیچیده ای است که دانش، باور، هنر، قوانین، اخلاقیات، رسوم و هرگونه قابلیت و عادات دیگر را شامل می‌شود که انسان به عنوان عضوی از جامعه فراگرفته است (اسمیت، ۱۳۸۷). عامل اقتصادی شامل مسائلی است که به میزان و شیوه کسب درآمد و هزینه‌های مربوط به آموزش می‌پردازد (سالواتوره و دیولیو، ۱۳۸۴). در نهایت، عامل جغرافیایی است که پراکندگی، افتراق و بازساخت مکانی - فضایی پدیده‌ها را در ارتباط با ساختار اجتماعی - اقتصادی تبیین می‌کند (شکویی، ۱۳۹۰).

نتایج تحقیق اقدسی و زینالفام (۱۳۹۱) نشان داده که عوامل محیطی، خانوادگی، اقتصادی، عوامل مربوط به مدرسه ترک تحصیل و گروه همسالان میان دانش آموزان عادی و بازمانده از تحصیل متفاوت است و این تفاوت از لحاظ آماری معنادار است. وکیلی قصریان (۱۳۹۰) وجود کلاسهای چند پایه، کمبود و نامناسب بودن امکانات و فناوری آموزشی، نامنطبق بودن برنامه درسی، پایین بودن آمادگی تحصیلی دانش آموزان، احساس خودکارآمدی پایین معلمان، نامناسب بودن فضای فیزیکی مدرسه، مشکلات مربوط به تردد و بیتوته، عدم تطابق فرهنگی با جوامع روستایی، مشکلات تحصیل و ارتقای شغلی و عدم تمایل به خدمت در روستا، مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، گزینش نامناسب معلمان روستایی، کافی نبودن آموزشهای پیش و ضمن خدمت، نامناسب بودن برنامه‌های نظارت و راهنمایی و ساختار مدارس را از عوامل بازماندگی از تحصیل کودکان روستایی می‌داند. طبق نتایج تحقیق رسول‌نیا (۱۳۸۸) استفاده از معلمان

1. King
2. Birdsall

غیرهمجنس دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی، نبود مدرسه در محل سکونت، سطح اقتصادی خانواده‌ها و تحصیلات پدر و مادر دانش‌آموزان عوامل مهمی برای پوشش تحصیلی هستند. نتایج تحقیق معروفی (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که بازمانگی از تحصیل دختران روستایی به عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی بستگی دارد و عامل اقتصادی و فقر مالی والدین مهم‌ترین عامل در بازماندگی دختران از تحصیل محسوب می‌شود. نتایج مطالعه اخیر یونیسف (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که علل بازماندن از مدرسه، به ویژه برای دختران، چندگانه است و کودکان را با خطرات بسیار مواجه می‌کند. بسیاری از کودکان هیچ فرصتی برای حضور در مدرسه ندارند یا قبل از دستیابی به سواد کامل، مدرسه را ترک می‌کنند. بسیاری از جوامع حاشیه‌نشین با موانع اساسی مانند فقر، فقدان آگاهی والدین از اهمیت تحصیل و هنجارهای اجتماعی و ازدواج زود هنگام مواجه هستند که نابرابری جنسیتی را تقویت می‌کنند.

بر اساس نتایج تحقیق جاستس^۱ (۲۰۱۵) دلایل بازماندن کودکان از تحصیل عبارت‌اند از: بیماری والدین، عدم آگاهی از اهمیت تحصیل دختران، مرگ یکی از والدین، بدهی خانواده، بیماری کودکان و مشکلات خانوادگی. دُل، اسلامی و والترز^۲ (۲۰۱۳) دلایل محرومیت از تحصیل کودکان را شامل عوامل مربوط به مدرسه (از دست رفتن بسیاری از روزهای مدرسه، گرفتن نمرات ضعیف/شکست تحصیلی، دوست نداشتن مدرسه، ناسازگاری با تکالیف مدرسه، عدم همکاری با معلمان)، عوامل مربوط به خانواده (حاملگی، نگهداری از یکی از اعضای خانواده، ازدواج یا آمادگی برای ازدواج) و عوامل مربوط به اشتغال (اشتغال در زمان تحصیل، عدم توانایی برای تحصیل و کار همزمان) می‌دانند. نتایج تحقیق چرتیس^۳ (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که دلایل اصلی بازماندن از تحصیل عبارت‌اند از: عوامل خانوادگی، عوامل مربوط به مدرسه، محیط اجتماعی و عوامل فردی. "موسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه کودکان کار"^۴ در سال ۲۰۰۷ نشان داده است که عواملی همچون کیفیت مدارس، دسترسی به مدرسه، مشارکت جامعه، وادار کردن کودکان به کار اجباری، تبعیض جنسیتی و بی‌توجهی به خواست کودکان، در بازماندن از تحصیل آنان مؤثرند.

روش تحقیق

این تحقیق از طرح‌های آمیخته همگرا بوده و از دو بخش کمی و کیفی تشکیل شده است. روش تحقیق بخش کمی، توصیفی است. داده‌های بخش کمی تحقیق به صورت میدانی و با

1. Justus
2. Doll, Eslami & Walters
3. Chirtes
4. International Research on Working Children (IREWOC)

مراجعه به نمونه آماری و ارائه پرسشنامه گردآوری شده‌اند. ابزار مورد استفاده در بخش کمی تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته است. پرسشنامه موانع جذب دارای ۳۷ گویه و پرسشنامه شیوه‌های جذب دارای ۲۹ گویه در طیف لیکرت است. برای تعیین پایایی، پرسشنامه‌ها را ۳۰ نفر در دو زمان با فاصله دو هفته پاسخ دادند که همبستگی میان پاسخهای آزمودنیها در همه مؤلفه‌ها بیشتر از ۰/۷۰ بوده که نشان‌دهنده پایایی بالای پرسشنامه‌هاست. روایی پرسشنامه‌ها و فرمهای مصاحبه را استاد ناظر و دو تن از کارشناسان آموزش و پرورش مورد تأیید قرار دادند. جامعه آماری بخش کمی شامل معلمان و مدیران دوره ابتدایی مناطق روستایی و عشایری استانهای آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی، به ترتیب شامل ۱۲۷۴۵ معلم و ۴۹۲۸ مدیر و نمونه آماری بر اساس فرمول مورگان ۳۷۶ نفر شامل ۲۷۱ معلم و ۱۰۵ مدیر بوده است. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای نسبتی بوده است. پس از کسب اطمینان از نرمال بودن داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل از آزمون پارامتریک تحلیل عاملی استفاده شده است. جامعه آماری بخش کیفی تحقیق افرادی بودند که پدیده مورد بررسی را تجربه کرده و یا با آن سرو کار داشته‌اند و دارند(کودکان باز مانده از تحصیل، اولیای آنها، رؤسای آموزش و پرورش مناطق روستایی و عشایری و مقامات محلی). نمونه‌گیری بخش کیفی به صورت هدفمند بوده و تا زمان اشباع اطلاعات ادامه یافته است. داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه نیمه سازمان‌یافته، با روش تحلیل پدیدارشناسی (خوشه‌بندی ساده) خلاصه و دسته بندی شده است.

یافته‌های تحقیق

آزمونهای لازم برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها، مناسب بودن حجم نمونه و همبستگی میان مؤلفه‌ها انجام شده است. برای پاسخ به پرسشهای بخش کمی از آزمون تحلیل عاملی به شرح زیر استفاده شده است.

موانع اقتصادی بازماندن از تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری کدام‌اند؟

موانع اقتصادی جذب کودکان بازمانده از تحصیل بر اساس نتایج جدول شماره ۱، با استفاده از ملاک کایزر، از دو عامل تشکیل شده است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که ۳۸/۰۷ و ۲۷/۸ درصد از واریانس سؤال پژوهشی به ترتیب با عاملهای ۱ و ۲ تبیین می‌شود. عامل ۱ (وضعیت اقتصادی خانواده) به ترتیب از مؤلفه‌های اجبار به کار فرزندان جهت کمک به اقتصاد خانواده، فقر مالی خانواده و ناتوانی در تامین مخارج تحصیلی فرزندان و همزمانی اوج کار در مزرعه و دامداری با زمان امتحانات با ضرایب همبستگی ۰/۸۸۵، ۰/۸۶۸ و ۰/۷۹۲ تشکیل شده

است. عامل ۲ (عوامل اقتصادی غیر مستقیم) به ترتیب از مؤلفه‌های بیماریهای مزمن و معلولیت‌های شدید، خستگی جسمی ناشی از کار در مزرعه و اجبار به مراقبت از فرزندان کوچک خانواده با ضرایب همبستگی ۰/۸۰۳، ۰/۷۲۹ و ۰/۶۳۰ تشکیل شده است.

موانع جغرافیایی بازماندن از تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری کدام اند؟

موانع جغرافیایی جذب کودکان بازمانده از تحصیل بر اساس نتایج جدول ۱، با استفاده از ملاک کایزر، از دو عامل تشکیل شده است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که ۳۰/۴ و ۲۸/۱ درصد از واریانس سؤال پژوهشی با عامل‌های ۱ و ۲ تبیین می‌شود. عامل ۱ (فقدان مدرسه) به ترتیب از مؤلفه‌های فقدان مدارس سیار عشایری، فقدان مدارس شبانه‌روزی، کوچ زود هنگام عشایر، فقدان مدرسه ابتدایی و فقدان مراکز پیش‌دبستانی در مناطق روستایی و عشایری با ضرایب همبستگی ۰/۸۳۶، ۰/۷۲۰، ۰/۵۸۸، ۰/۵۶۵ و ۰/۴۶۱ تشکیل شده است. عامل ۲ (راه) به ترتیب از مؤلفه‌های صعب العبور بودن مسیر بین محل زندگی و مدرسه و فاصله زیاد میان مدرسه و محل زندگی با ضرایب همبستگی ۰/۹۰۵ و ۰/۷۹۸ تشکیل شده است.

موانع سازمانی بازماندن از تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری کدام اند؟

موانع سازمانی جذب کودکان بازمانده از تحصیل بر اساس نتایج جدول شماره ۱، با استفاده از ملاک کایزر، از دو عامل تشکیل شده است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که ۲۹/۰۷ و ۱۷/۹ درصد از واریانس سؤال پژوهشی به ترتیب با عامل‌های ۱ و ۲ تبیین می‌شود. بررسی تک‌تک عوامل نشان می‌دهد که عامل ۱ (صلاحیت‌های معلمی) به ترتیب از مؤلفه‌های آشنایی کم معلمان مدارس با روش‌های نوین تدریس، اصول روانشناسی، کلاس‌داری و مدیریت کلاس، غیبت متوالی معلمان و عدم حضور مرتب در مدرسه، انگیزه پایین معلمان و عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری، کیفیت پایین آموزش و کیفیت پایین فعالیتهای فوق برنامه با ضرایب همبستگی ۰/۸۲۱، ۰/۸۰۶، ۰/۸۰۳، ۰/۷۷۶، ۰/۷۶۵، ۰/۶۶۷ و ۰/۴۹۹ تشکیل شده است. عامل ۲ (امکانات آموزشی) به ترتیب از کمبود امکانات سخت افزاری و نرم افزاری آموزش از راه دور، فضای آموزشی نامطلوب و غیر بهداشتی و فقدان محل مناسب برای مطالعه با ضرایب همبستگی ۰/۸۵۴، ۰/۶۳۱ و ۰/۵۶۳ تشکیل شده است.

موانع فرهنگی بازماندن از تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری کدام اند؟

موانع فرهنگی جذب کودکان بازمانده از تحصیل براساس نتایج جدول شماره ۱، با استفاده از ملاک کایزر، از دو عامل تشکیل شده است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که $22/4$ و $21/3$ درصد از واریانس سؤال پژوهشی به ترتیب با عاملهای ۱ و ۲ تبیین می‌شود. عامل ۱ (نگرشیهای جنسیتی) به ترتیب از مؤلفه‌های نگرش منفی نسبت به تحصیل دختران، نگرش منفی نسبت به تدریس معلم غیرهمجنس و مخالفت با تشکیل کلاسهای مختلط به ترتیب با ضرایب همبستگی $0/873$ ، $0/782$ و $0/782$ تشکیل شده است. عامل ۲ (تأثیر اطرافیان) به ترتیب از مؤلفه‌های بی‌تفاوتی والدین نسبت به تحصیل فرزندان، بیسوادی والدین و گروه دوستان و همسالان با ضرایب همبستگی $0/879$ ، $0/794$ و $0/716$ تشکیل شده است.

موانع فردی بازماندن از تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری کدام اند؟

موانع فردی جذب کودکان بازمانده از تحصیل بر اساس نتایج جدول شماره ۱، با استفاده از ملاک کایزر، از یک عامل تشکیل یافته است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که $21/7$ درصد از واریانس سؤال پژوهشی از طریق این عامل تبیین می‌شود. عامل باورهای فردی به ترتیب از مؤلفه‌های فقدان علاقه به تحصیل و مدرسه، نگرش منفی نسبت به تحصیل، ترس از مدرسه و اعتقاد به عدم کارآیی مدارس با ضرایب همبستگی $0/765$ ، $0/737$ ، $0/706$ و $0/594$ تشکیل شده است.

جدول ۱: توزیع واریانس کل موانع بازماندن از تحصیلی کودکان مناطق روستایی و عشایری

مجموع مربعات چرخش یافته					
عامل	عنوان	تعداد مؤلفه	کل	درصد از واریانس	درصد تراکمی
موانع اقتصادی	۱ اقتصاد خانواده	۳	۲/۲۸۵	۳۸/۰۷۷	۳۸/۰۷۷
	۲ عوامل غیر مستقیم	۳	۱/۶۷۰	۲۷/۸۳۱	۶۵/۹۰۸
موانع جغرافیایی	۱ فقدان مدرسه	۵	۲/۱۳۲	۳۰/۴۶۳	۳۰/۴۶۳
	۲ راه	۲	۱/۹۶۹	۲۸/۱۲۹	۵۸/۵۹۲
موانع سازمانی	۱ صلاحیتهای معلمی	۷	۴/۰۷۱	۲۹/۰۷۹	۲۹/۰۷۹
	۲ امکانات آموزشی	۳	۲/۵۱۹	۱۷/۹۹۶	۴۷/۰۷۵
موانع فرهنگی	۱ نگرشیهای جنسیتی	۳	۲/۲۳۹	۲۲/۳۹۵	۲۲/۳۹۵
	۲ تأثیر اطرافیان	۳	۲/۱۳۳	۲۱/۳۲۹	۴۳/۷۲۴
موانع فردی	۱ باورهای فردی	۴	۲/۱۷۲	۲۱/۷۲۳	۲۱/۷۲۳

با بررسی مواردی که شرکت‌کنندگان بخش کیفی تحقیق مطرح کردند، مضمونهای اصلی و فرعی زیر به عنوان موانع جذب کودکان بازمانده از تحصیل به دست آمدند:

مضمون اصلی: قانون. مضمونهای فرعی: سکوت قانون در مورد کودکان کار و نبود ضمانت اجرایی قانون تحصیل اجباری.

مضمون اصلی: آسیبهای خانوادگی. مضمونهای فرعی: تعقیب قضایی والدین، طلاق و اعتیاد پدر.

مضمون اصلی: عامل اقتصادی. مضمونهای فرعی: کودکان کار، فقر مالی.

مضمون اصلی: کیفیت پایین آموزشی. مضمونهای فرعی: معلمان کم تجربه و عدم نظارت کافی.

مضمون اصلی: عامل فردی. مضمونهای فرعی: مشکلات یادگیری، نداشتن علاقه به تحصیل، وضعیت نامطلوب تحصیلی.

مضمون اصلی: شرایط جغرافیایی. مضمونهای فرعی: دوری و صعب العبور بودن راه.

مضمون اصلی: عامل فرهنگی. مضمونهای فرعی: ازدواج زود هنگام، مخالفت با شرکت در کلاسهای مختلط، مخالفت با تدریس معلم غیرهمجنس، مخالفت با تحصیل دختران، بیسوادی والدین، بی‌توجهی نسبت به تحصیل فرزند.

مضمون اصلی: رفتار معلم. مضمونهای فرعی: تحقیر، تنبیه بدنی، بی‌توجهی معلم

شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل مناطق روستایی و عشایری کدام اند؟

شیوه‌ها و راهکارهای جذب کودکان بازمانده از تحصیل بر اساس نتایج جدول ۲، با استفاده از ملاک کایزر، از شش عامل تشکیل شده است. مجموع مربعات چرخش یافته نشان می‌دهد که ۱۳/۵۷، ۱۲/۵۷، ۱۱/۱۷، ۹/۸۵، ۹/۶۱ و ۷/۴۳ درصد از واریانس سؤال پژوهشی با عاملهای ۱ الی ۶ تبیین می‌شوند. بررسی تک تک عوامل نشان می‌دهد که عامل ۱ (توانمندسازی معلمان) به ترتیب از مؤلفه‌های برگزاری دوره‌های آموزشی روشهای نوین تدریس، اصول کلاس‌داری و مدیریت کلاس، اصول روانشناسی، نظارت مستمر بر مدارس، ارتقای انگیزش و مسئولیت‌پذیری معلمان و ارتقای کیفیت آموزش در مدارس با ضرایب همبستگی ۰/۷۹۷، ۰/۷۸۸، ۰/۷۸۶، ۰/۶۰۴ و ۰/۵۰۳ تشکیل شده است. عامل ۲ (امکان حضور در مدرسه) به ترتیب از مؤلفه‌های ایجاد مدرسه ابتدایی در همه روستاها و مناطق عشایری، ایجاد و اصلاح راههای ارتباطی میان محل زندگی و مدرسه، گسترش مدارس شبانه‌روزی، ایجاد مدارس سیار عشایری، اصلاح فضاهای آموزشی، ایجاد مراکز پیش‌دبستانی و اسکان عشایر با ضرایب همبستگی ۰/۷۲۱، ۰/۶۹۳، ۰/۵۷۸، ۰/۵۴۰، ۰/۵۳۷، ۰/۵۰۷ و ۰/۴۶۷ تشکیل شده است. عامل ۳ (ارتقای کیفیت) به ترتیب از مؤلفه‌های تدوین محتوای

آموزشی مناسب برای مناطق روستایی و عشایری، تأمین امکانات لازم آموزشی و امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای آموزش از راه‌دور، ایجاد و گسترش کتابخانه و محل مطالعه در مدارس با ضرایب همبستگی ۰/۸۱۶، ۰/۷۸۰، ۰/۶۵۱ و ۰/۵۶۷ تشکیل شده است. عامل ۴ (فرهنگ‌سازی) به ترتیب از مؤلفه‌های استفاده از معلمان بومی، توسعه کلاسهای سوادآموزی برای والدین، آموزش مهارت‌های مورد نیاز کودکان روستایی و عشایری، اصلاح نگرش منفی نسبت به تحصیل و برگزاری کلاسهای فرزندپروری برای والدین با ضرایب همبستگی ۰/۷۰۳، ۰/۶۴۹، ۰/۵۷۹، ۰/۵۷۶ و ۰/۴۱۳ تشکیل شده است. عامل ۵ (اقتصاد) به ترتیب از مؤلفه‌های تحویل کتابهای درسی رایگان، تأسیس صندوق رفاه دانش‌آموزی مناطق روستایی و عشایری، پرداخت یارانه تحصیل به خانواده‌های روستایی و عشایری دارای فرزند محصل و پیگیری اجرای قانون ممنوعیت کار کودکان با ضرایب همبستگی ۰/۸۰۸، ۰/۷۶۴، ۰/۷۳۹ و ۰/۴۵۴ تشکیل شده است. عامل ۶ (انعطاف در زمان) به ترتیب از مؤلفه‌های شناور بودن زمان شروع و پایان سال تحصیلی در مناطق روستایی و عشایری با توجه به اقلیم منطقه و تغییر زمان امتحانات پایان سال در مناطق روستایی و عشایری با ضرایب همبستگی ۰/۸۲۷ و ۰/۷۳۴ تشکیل شده است.

جدول ۲: توزیع واریانس کل شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل

عامل	عنوان	تعداد مؤلفه	مجموع مربعات چرخش یافته	
			کل	درصد از واریانس
۱	توانمندسازی معلمان	۶	۳/۹۳۷	۱۳/۵۷۶
۲	امکان حضور در مدرسه	۷	۳/۶۴۷	۱۲/۵۷۷
۳	ارتقای کیفیت	۴	۳/۲۴۰	۱۱/۱۷۲
۴	فرهنگ‌سازی	۵	۲/۵۱۷	۹/۸۵۰
۵	اقتصاد	۴	۲/۷۸۷	۹/۶۱۱
۶	انعطاف در زمان	۲	۲/۱۵۷	۷/۴۳۷

با بررسی مواردی که شرکت‌کنندگان بخش کیفی تحقیق مطرح کرده اند، مضمونهای اصلی و فرعی زیر به عنوان شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل به دست آمدند:

مضمون اصلی: مداخله. مضمونهای فرعی: درمان مشکلات روانشناختی و مشکلات یادگیری.

مضمون اصلی: ارتقای کیفیت آموزشی. مضمونهای فرعی: استفاده از معلمان باتجربه، تغییر جو مدارس، تغییر رفتار معلمان، تشکیل کلاسهای تک جنسیتی، استفاده از معلمان بومی، به‌کارگیری معلمان رسمی، نظارت کافی.

مضمون اصلی: رفع مشکل مالی. مضمونهای فرعی: افزایش ماهانه کمیته امداد، تحصیل رایگان، کمک هزینه تحصیلی.

مضمون اصلی: اصلاح قوانین. مضمونهای فرعی: ضمانت اجرایی قانون تحصیل اجباری، قانون کودکان کار، حفظ اطلاعات شخصی پرونده تحصیلی دانش آموز، مقابله با ازدواج زود هنگام. مضمون اصلی: کار فرهنگی. مضمونهای فرعی: فرهنگ‌سازی تحصیل دختران، سواد آموزی والدین.

مضمون اصلی: بهبود شرایط حضور در مدرسه. مضمونهای فرعی: ساخت مدرسه، اصلاح راه.

بحث و نتیجه‌گیری

حق برخورداری از آموزش از جمله حقوق بشر به شمار می‌رود و گزارشهای سالانه آمار آموزشی در مقیاس ملی و بین‌المللی نمایانگر پیشرفتهای کمی حاصل از برخورداری از این حق اجتماعی است. یکی از مصادیق عدالت آموزشی برخورداری از حق تحصیل بدون توجه به زندگی در محیط شهری یا روستایی و عشایری است. لذا تحقیق حاضر به منظور بررسی جامع موانع و شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل مناطق روستایی و عشایری به دو روش کمی و کیفی انجام شد. نتایج تحقیق حاضر نشان داد مهم‌ترین مانع جذب کودکان بازمانده از تحصیل، عامل اقتصادی است. نتایج پژوهشهای پیشین نیز، عامل اقتصاد خانواده‌ها را مهم‌ترین عامل بازماندن از تحصیل کودکان به شمار آورده‌اند. از آن میان می‌توان به تحقیقات اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، وکیلی‌قصریان (۱۳۹۰)، رسول‌نیا (۱۳۸۸)، معروفی (۱۳۸۴)، مهران (۱۳۷۵)، عسگری (۱۳۸۲)، امجدیان و صیدی (۱۳۸۰)، جاستس (۲۰۱۵)، ذل و همکاران (۲۰۱۳)، ساباتس^۱ و همکاران (۲۰۱۰)، چرتیس (۲۰۱۰)، موسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه کودکان کار (۲۰۰۷) و لرد، دیبل، کینزل و چپمن^۲ (۲۰۰۷) اشاره کرد. برخی از مشکلات اقتصادی به طور مستقیم روی بازماندن از تحصیل تأثیرگذارند مانند ناتوانی خانواده در تأمین مخارج اولیه تحصیل و مخارج کلی خانواده، یا بی-سرپرستی و بدسرپرستی خانواده که کودک را ملزم می‌کند تا برای کمک به معیشت خانواده کار کند. علاوه بر آن خستگی ناشی از کار یا وجود بیماری مزمن در خود کودک یا اعضای خانواده انرژی لازم را برای تحصیل از دانش‌آموز می‌گیرد و خانواده ناگزیر به حذف هزینه تحصیل فرزند می‌شود.

1. Sabates
2. Laird, DeBell, Kienzl & Chapman

عامل جغرافیایی از نظر اهمیت، دومین مانع برای جذب کودکان بازمانده از تحصیل است. نتایج تحقیق اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، نیکجو و باصر (۱۳۸۰)، رسول‌نیا (۱۳۸۸)، عسگری (۱۳۸۲)، سیف (۱۳۷۸)، معتمدیان و صادق‌موسوی (۱۳۷۰)، ساباتس و همکاران (۲۰۱۰)، موسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه کودکان کار (۲۰۰۷) و ولز^۱ (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که ترک تحصیل دانش‌آموزان روستایی بیش از دانش‌آموزان شهری است و نبود مدرسه در محل سکونت دانش‌آموزان یکی از عوامل نرفتن آنها به مدرسه است. با وجود آمارهایی که هرچند وقت یک بار منتشر می‌شود مبنی بر اینکه روستای فاقد مدرسه ابتدایی نداریم و حتی کلاسهایی با یک دانش‌آموز تشکیل شده است، مستندات این تحقیق نشان می‌دهد که حداقل در استانهای مورد مطالعه، افراد بازمانده از تحصیل عامل اصلی بازماندن از تحصیل را نبود مدرسه ابتدایی در روستا و ممانعت والدین از تحصیل در مدرسه روستای مجاور برشمرده اند.

سومین عامل از نظر اهمیت، موانع سازمانی است. براساس پژوهشهای اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، وکیلی قصریان (۱۳۹۰)، رسول‌نیا (۱۳۸۸)، معروفی (۱۳۸۴)، نجفی (۱۳۸۳)، مطور (۱۳۸۳)، مهران (۱۳۷۵)، سخائی (۱۳۸۲)، ذل و همکاران (۲۰۱۳)، ساباتس و همکاران (۲۰۱۰)، چرتیس (۲۰۱۰) و موسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه کودکان کار (۲۰۰۷)، چالشهای خاص تدریس و آموزش مانند وجود کلاسهای چندپایه، کمبود و نامناسب بودن امکانات و فناوری آموزشی، احساس خودکارآمدی پایین معلمان و نامناسب بودن فضای فیزیکی مدرسه، برنامه درسی نامناسب، کیفیت پایین آموزش، کلاسهای پرجمعیت، غیبت معلم، مشکلات انضباطی، مدرسه هراسی، خشونت در مدرسه و تعارض با معلمان و کادر مدرسه از موانع جذب کودکان به مدارس هستند. اکثر کلاسهای مدارس روستایی و عشایری را معلمان تازه‌کار و بی‌تجربه یا سربازمعلم اداره می‌کنند. سربازمعلم پیش از شروع خدمت در دوره‌هایی فشرده شرکت می‌کنند که به دلیل کمبود زمان نمی‌توان آموزشهای لازم را به آنان ارائه کرد. این افراد انگیزه‌ای برای یادگیری و کاربرد اصول و روشهای تعلیم و تربیت ندارند و قصدشان گذراندن دو سال خدمت نظام وظیفه است. معلمان تازه‌کار نیز به طور کلی از دانش کاربردی لازم و تجربه کافی برخوردار نیستند. همچنین به سبب عدم نظارت کافی بر مدارس روستایی و عشایری، معلمان غیبتهای متوالی می‌کنند و با وجود پایین بودن سطح کیفی آموزش، گواهینامه قبولی برای دانش‌آموزان صادر می‌کنند، در حالی که آنان از نظر علمی استحقاق دریافت آن را ندارند.

عامل فرهنگی چهارمین مانع جذب کودکان بازمانده از تحصیل است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از بخش کیفی نیز این یافته را تأیید نمود. وکیلی قصریان (۱۳۹۰) عوامل فرهنگی را به عنوان زمینه بازماندن از تحصیل کودکان روستایی می‌داند. رسول نیا (۱۳۸۸) بیسوادی والدین را عاملی برای پایین بودن پوشش تحصیلی برمی‌شمارد. همچنین معروفی (۱۳۸۴)، مهران (۱۳۷۵)، سخایی (۱۳۸۲)، عسگری (۱۳۸۲)، نادری بلداجی (۱۳۸۱)، داش‌خانه (۱۳۸۰) و محسنی (۱۳۷۹) عوامل فرهنگی همچون مخالفت با تحصیل دختران، ازدواج زود هنگام و اجباری، بیسوادی والدین، بی‌توجهی نسبت به تحصیل و مخالفت با تشکیل کلاسهای مختلط به ویژه در پایه‌های چهارم ابتدایی و بالاتر و تدریس معلم مرد برای دختران را به عنوان موانع جذب کودکان لازم‌التعلیم به مدارس برشمرده‌اند. نتایج تحقیقات خارج از کشور نیز با وجود تفاوت‌های فرهنگی در برخی از موارد با نتایج این تحقیق همسوست. از آن میان می‌توان به نتایج پژوهش جاستس (۲۰۱۵)، ذل و همکاران (۲۰۱۳)، چرتیس (۲۰۱۰)، موسسه تحقیقات بین‌المللی در زمینه کودکان کار (۲۰۰۷)، یانوش^۱ و همکاران (۲۰۰۰) و (رومو، به نقل از صداقت، ۱۳۸۶) اشاره نمود.

آخرین مانع، عامل فردی است که تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از بخش کیفی نیز مؤید این یافته است. طبق یافته‌های وکیلی قصریان (۱۳۹۰)، پایین بودن آمادگی تحصیلی دانش‌آموزان یکی از عوامل بازماندن کودکان روستایی از ادامه تحصیل است. نجفی (۱۳۸۳)، مطور (۱۳۸۳)، عسگری (۱۳۸۲)، سخایی (۱۳۸۲) و مهران (۱۳۷۵) عوامل فردی را یکی از عوامل ترک تحصیل کودکان مناطق روستایی و عشایری می‌دانند. انگیزه و علاقه تحصیلی دانش‌آموزان و استعداد و توان یادگیری آنها در ترک تحصیل کودکان روستایی تأثیری بسزا دارند. در زمینه موانع فردی مرتبط با جذب کودکان بازمانده از تحصیل، نتایج تحقیق شبکه PBS (۲۰۱۴) نشان داده است دانش‌آموزانی که در پایه چهارم ابتدایی قادر به خواندن ماهرانه کتاب نیستند، ۴ برابر بیش از دیگران احتمال ترک تحصیل دارند. ذل و همکاران (۲۰۱۳) و چرتیس (۲۰۱۰) دلایل محرومیت از تحصیل کودکان را شامل عواملی مانند اختلالات یادگیری، کمبود توجه، گرفتن نمرات ضعیف/شکست تحصیلی، دوست نداشتن مدرسه و ناسازگاری با تکالیف مدرسه می‌دانند.

افزون بر عاملها و مضامین مشترک بخش کمی و کیفی تحقیق، مضمون اصلی قانون؛ با مضمونهای فرعی سکوت قانون در مورد کودکان کار در مشاغل خانوادگی و نبود ضمانت اجرایی قانون تحصیل اجباری و مضمون اصلی آسیبهای خانوادگی؛ با مضمونهای فرعی تعقیب قضایی

والدین، طلاق و اعتیاد پدر از بخش کیفی به دست آمدند. نتایج تحقیق اقدسی و زینال‌فام (۱۳۹۱)، نجفی (۱۳۸۳)، مطور (۱۳۸۳)، مهران (۱۳۷۵)، سخایی (۱۳۸۲)، معتمدیان و صادق موسوی (۱۳۷۰)، چرتیس (۲۰۱۰) و ولز (۱۹۸۹) نشان می‌دهد که آسیبهای خانوادگی مانند اعتیاد، طلاق و نابسامانی خانواده از عوامل بازماندگی کودکان از تحصیل هستند.

پیشنهادها

براساس یافته‌های بخش شیوه‌های جذب کودکان بازمانده از تحصیل و با توجه به اهمیت هریک از شیوه‌ها، موارد زیر پیشنهاد می‌شود: تحویل کتابهای درسی کودکان روستایی و عشایری به صورت رایگان؛ تأسیس صندوق رفاه دانش‌آموزی مناطق روستایی و عشایری؛ پرداخت یارانه تحصیل به خانواده‌های روستایی و عشایری دارای فرزند محصل؛ پیگیری و اجرای کامل قانون ممنوعیت کار کودکان؛ ایجاد مدرسه ابتدایی در همه روستاها و مناطق عشایری؛ ایجاد و اصلاح راههای ارتباطی میان محل زندگی و مدرسه؛ گسترش مدارس شبانه روزی؛ ایجاد مدارس سیار عشایری؛ تولید مواد یادگیری مرتبط با نیازهای دانش‌آموزان روستایی و عشایری؛ افزایش به‌کارگیری معلمان مجرب؛ انعطاف در زمان شروع و پایان سال تحصیلی در مناطق روستایی و عشایری؛ اصلاح نگرش منفی نسبت به تحصیل از طریق کارهای فرهنگی و برگزاری کلاسهای فرزند پروری برای والدین؛ استفاده از معلمان بومی؛ توسعه کلاسهای سواد آموزی برای والدین و پیگیری اجرای کامل قانون تحصیل اجباری.

منابع

- آتشک، محمد. (۱۳۸۸). بررسی تساوی جنسیتی در دسترسی به آموزش (پایه‌های دوره راهنمایی در مناطق شهری و روستایی کشور). *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، ۱۱ (۴۴)، ۷۳-۱۱۰.
- آفازاده، احمد. (۱۳۸۸). *مسائل آموزش و پرورش ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- اسمیت، فیلیپ. (۱۳۸۷). *درآمدی بر نظریه فرهنگی*، (ترجمه حسن پویان). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اقدسی، علی نقی و زینال‌فام، افسانه. (۱۳۹۱). عوامل محیطی و اجتماعی مؤثر در ترک تحصیل (بازماندگان از تحصیل) دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. *فصلنامه علوم تربیتی*، ۵ (۱۷)، ۱۱۳-۱۳۰.
- اکبری، علی و میزبان، مهدی. (۱۳۸۳). در آمدی بر شناخت ویژگی‌های جمعیت و جوامع عشایری در ایران. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۵ (۱)، ۹-۴۷.
- امجدیان، فیروز و صیدی، بهروز. (۱۳۸۰). *بررسی عوامل مؤثر در ترک تحصیل دانش‌آموزان دوره ابتدایی استان کرمانشاه*. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان کرمانشاه.
- داش‌خانه، فاطمه. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در نابرابری آموزشی در دوره آموزش عمومی به منظور ارائه مدل نظری برای آموزش دختران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۱۷ (۴)، ۴۵-۵۸.
- رسول‌نیا، خالد. (۱۳۸۸). *بررسی علل پایین بودن پوشش تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی مختلف استان آذربایجان غربی*. گزارش طرح پژوهشی، سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی.
- رضائی، منیره. (۱۳۸۳). *نقش آموزش و پرورش در توسعه سیاسی- اجتماعی و آموزش و پرورش حساس به جنسیت*. تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- سالواتوره، دومینیک و دیولیو، یوجین. (۱۳۸۴). *اصول علم اقتصاد*، (ترجمه محمد ضیائی بیگدلی و نوروزعلی مهدی‌پور). تهران: انتشارات کوهسار.
- سخایی، داود. (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مؤثر بر ترک تحصیل دختران روستایی در شهرستان فریدن*. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- سیف، الله داد. (۱۳۷۸). *بررسی میزان و علل ترک تحصیل دانش‌آموزان کلاس پنجم ابتدایی بخش فیروزان از دیدگاه معلمین این پایه*. گزارش طرح پژوهشی، همدان، مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات سمت.
- شکوئی، حسن. (۱۳۹۰). *شناخت و فلسفه جغرافیا*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صداقت، کامران. (۱۳۸۶). *بررسی علل بازماندن از تحصیل دختران مناطق روستایی استان آذربایجان شرقی و ارائه راهکارهای مناسب*. گزارش طرح پژوهشی، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت کاربردی تبریز.
- عسگری، محمد. (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی منطقه فامنین از نظر دانش‌آموزان و دبیران*. گزارش طرح پژوهشی، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان همدان.
- محسنی، سیف‌الله. (۱۳۷۹). *بررسی میزان و علل ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی بخش گل تپه*. گزارش طرح پژوهشی، همدان مرکز ضمن خدمت فرهنگیان ابن سینا.

- مطور، معصومه. (۱۳۸۳). بررسی راهکارهای کاهش ترک تحصیل در مناطق روستایی استان گلستان. گزارش طرح پژوهشی، اداره کل آموزش و پرورش استان گلستان.
- معتدیان، جمشید و صادق موسوی، خسرو. (۱۳۷۰). بررسی علل مردودی و ترک تحصیل در پایه‌های اول ابتدایی و اول راهنمایی تحصیلی کشور. گزارش طرح پژوهشی، وزارت آموزش و پرورش: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- معروفی، پروین. (۱۳۸۴). بررسی روش‌های کاهش بازماندگی از تحصیل دختران در مناطق محروم و روستایی با روش مشارکتی (P.R.A). گزارش طرح پژوهشی، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- مهران، گلنار. (۱۳۷۵). بررسی علل ترک تحصیل دختران در مقطع آموزش ابتدایی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا و به‌ویژه در ایران. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۱۲ (۲)، ۷-۴۱.
- نادری بلداجی، فرود. (۱۳۸۱). عوامل فرهنگی، اجتماعی و آموزشی مؤثر بر ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس راهنمایی عشایر شهرستان لردگان و اردل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- نجفی، سالار. (۱۳۸۳). بررسی عوامل مرتبط با ترک تحصیل دانش‌آموزان عشایری دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و ارائه راهکارهای پیشگیری از ترک تحصیل. گزارش طرح پژوهشی، آموزش و پرورش استان فارس.
- نژاد بهرام، زهرا. (آذر ۱۳۹۴). عدالت آموزشی فرصتی تازه برای توسعه پایدار. ضمیمه اقتصادی شرق، ص ۱۹.
- نیکجو، کریم و باصر، ناصر. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت پوشش تحصیلی دانش‌آموزان لازم‌التعلیم و ارائه مناسب‌ترین شیوه‌های افزایش آن. گزارش طرح پژوهشی، اداره کل آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی.
- وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۵). به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه. کمیسیون ملی یونسکو، تهران.
- وکیلی قصریان، لیلا. (۱۳۹۰). چالش‌های تدریس در مناطق روستایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه کردستان.
- Birdsall, N. (1985). Public inputs and child schooling in Brazil. *Journal of Development Economics*, 18(1), 67-86.
- Chirtes, G. (2010). A case study into the causes of school dropout. *Acta Didactica Napocensia*, 3(4), 25-34.
- Doll, J. J., Eslami, Z., & Walters, L. (2013). Understanding why students drop out of high school, according to their own reports: Are they pushed or pulled, or do they fall out? A comparative analysis of seven nationally representative studies. *SAGE Open*, 3, 1-15.
- IREWOC. (2007). *Deprived children and education, Pakistan*. IREWOC: Amsterdam, The Netherlands.
- Janosz, M., Le Blanc, M., Boulerice, B., & Tremblay, R. E. (2000). Predicting different types of school dropouts: A typological approach with two longitudinal samples. *Journal of Educational Psychology*, 92(1), 171-190.
- Justus, A. (2015). 6 reasons - Why children in India drop out of school and become child labourers. *World Vision International*. Available at <http://www.wvi.org/asia-pacific/article/6-reasons-children-india-child-labourers>

- King, E. (1986). *Change in the status of women across generations in Asia*. Santa Monica, Calif.: Rand Corporation.
- Laird, J., DeBell, M., Kienzl, G., & Chapman, C. (2007). *Dropout rates in the United States: 2005 (NCES 2007-059)*. U.S. Department of Education. Washington, DC: National Center for Education Statistics.
- PBS. (2014). *11 facts about dropping out*. Available at <https://www.dosomething.org/facts/11-facts-about-dropping-out>
- Sabates, R., Akyeampong, K., Westbrook, J., & Hunt, F. (2010). *School drop out: Patterns, causes, changes and policies*. Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2011: The hidden crisis: Armed conflict and education. Paris: UNESCO.
- UNESCO. (2012). *Education for All*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. Paris: France.
- UNICEF. (2014). *All children in School by 2015: Global initiative on out-of-school children*. UNICEF Regional Office for South Asia, Kathmandu, Nepal.
- Wells, A. S. (1989). *Middle school education: The critical link in dropout prevention*. ERIC Accession No. ED 311148.

